

## تاب‌آوری اجتماعی چیست؟

درس آموخته‌ها و راه‌های در پیش رو

چکیده: در طول دهه گذشته، مجموعه‌ای از ادبیات رو به رشد پدیدار شده است که مربوط به این مسئله است که مفهوم امیدوار کننده‌ی تاب‌آوری اجتماعی چه فرمی می‌تواند داشته باشد. در این مقاله استدلال می‌کنیم که تاب‌آوری اجتماعی توانایی قرار گرفتن در یک چارچوب تحلیلی منسجم را دارد که می‌تواند بر پایه مفهوم مبتنی بر آسیب‌پذیری اجتماعی دانش علمی بسازد و دیدگاه تازه‌ای را در مورد چالش‌های امروز تغییرات جهانی ارائه دهد. بر اساس بررسی انتقادی ادبیات اخیرا منتشر شده در مورد این موضوع، ما پیشنهاد می‌کنیم تا تاب‌آوری اجتماعی را به صورت ترکیبی از سه بعد تعریف کنیم: ۱. ظرفیت‌های مقابله‌ای - توانایی کنشگران اجتماعی برای مقابله با انواع سختی‌ها و غلبه بر آنها؛ ۲. ظرفیت‌های سازگاری - توانایی آنها در یادگیری از تجارب گذشته و وفق دادن خود با چالش‌های آینده در زندگی روزمره‌شان. ۳. ظرفیت‌های تحول - توانایی آنها برای ایجاد مجموعه‌ای از نهادها که رفاه فردی و پایداری اجتماعی در برابر بحران‌های آینده را تقویت می‌کنند. به این ترتیب، جستجوی راه‌هایی برای ایجاد تاب‌آوری اجتماعی - به ویژه در معیشت افراد فقیر و به حاشیه رانده شده - نشان داده می‌شود که نه تنها یک مسئله تخصصی، بلکه یک مسئله سیاسی است.

کلمات کلیدی: تاب‌آوری اجتماعی، ریسک، آسیب‌پذیری، سازگاری، تبدیل، توسعه پایدار

### ۱ مقدمه

مفهوم تاب‌آوری در دهه گذشته یا پیشتر در چندین رشته دانشگاهی و زمینه تحقیقاتی، از زیست‌شناسی و مهندسی گرفته تا مطالعات پایداری و تحقیق در مورد خطرات طبیعی و مشکلات توسعه، به طور فزاینده‌ای برجسته شده است. بحث جدل برانگیز در مورد این که آیا تاب‌آوری یک مفهوم معتبر برای مطالعه جامعه است یا نه، در حال افزایش است. امروزه، یک مجموعه ادبیات رو به رشد پدیدار شده است که مرتبط است با تعیین اینکه چه فرمی؟ یک مفهوم سازی امیدوار کننده از تاب‌آوری اجتماعی ممکن است داشته باشد. این تحولات عمیقا از سوی دانشمندان علوم طبیعی و علوم اجتماعی مورد انتقاد قرار گرفته است. بوم‌شناسان برند و جکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۷). برای محدودیت استفاده از مفهوم تاب‌آوری در اکوسیستم‌ها به دلایل واضح عقلانی؛

تاب‌آوری به عنوان یک «هدف مرزی» (استار و گریسیمر<sup>۱</sup>؛ استار ۲۰۱۰) می‌تواند تبادل افکار را در مرزهای رشته‌ای تسهیل کند، که برای ایجاد درک بهتر از سیستم‌های اجتماعی-زیست محیطی مرتبط ضروری است. با این حال، استفاده از تعریف بیش از حد وسیع به خاطر یک واژه مشترک ممکن است آن واژه را بیش از حد مبهم و غیر قابل کنترل سازد، که به نوبه خود حتی ممکن است مانع پیشرفت علمی شود (برند و جکس ۲۰۰۷).

از دیدگاه علوم اجتماعی، جغرافیدانان کانن<sup>۲</sup> و مولر-مون<sup>۳</sup> (۲۰۱۰، ۶۲۳) استدلال کرده‌اند که مفهوم تاب-آوری "وقتی که بدون بررسی و نگرش انتقادی به پدیده‌های اجتماعی منتقل می‌شود ناکافی و حتی غلط است". این مفهوم با توجه به میراث تجربی اش که در علوم بوم‌شناسی ریشه دارد، احتمال دارد که به «تجدید حیات جامعه» (لیدسکوگ<sup>۴</sup> ۲۰۰۱) و ظهور مجدد جبر طبیعی ساده منجر شود (جودکینز<sup>۵</sup> و همکاران ۲۰۰۸). با حمایت از شیوه‌ی تفکر مثبت گرا، عقلایی و کارآمدانه، آن ماهیت مسئله‌ی روابط قدرت را پنهان می‌کند (کانن و مولر-مون ۲۰۱۰). به همین ترتیب، این مفهوم، خطر "سیاست زدایی" ساختارهای اجتماعی را در بر دارد و به طور ناخودآگاه وضعیت کنونی جامعه را تقویت می‌کند، با غفلت از مکانیسم‌هایی که در وهله اول مردم را در معرض خطر قرار می‌دهند (پلینگ و مانیول-نوارت<sup>۶</sup> ۲۰۱۱).

در حالیکه به این انتقادهای اذعان داریم، به نظر ما استدلال‌های بیان شده برای رد کردن مفهوم بطور کلی کافی نیست. در عوض ما استدلال می‌کنیم - و این پیشنهاد مرکزی این مقاله است - که تاب‌آوری اجتماعی این پتانسیل را دارد که در یک چارچوب تحلیلی منسجم قرار گیرد که از یک سو می‌تواند دانش علمی از مفهوم آزموده شده و تست شده "آسیب پذیری" را شامل شود و از سوی دیگر، پیشرو است و دیدگاه تازه‌ای را در مورد چالش‌های امروزه‌ی تغییرات جهانی باز می‌کند. پیشنهاد ما متکی بر بررسی انتقادی ادبیات اخیراً منتشر شده در مورد "تاب‌آوری اجتماعی"<sup>۷</sup> است که توسط دو موتور جستجوی "Google Scholar" و "Web of Knowledge" یافت شدند. در مجموع ۶۸ مقاله مرتبط شناسایی شد که به صراحت به مفهوم "تاب‌آوری اجتماعی" اشاره دارد؛ ۱۳ مورد تفسیر مفهومی صرف بودند، در حالی که ۵۵ مورد یافته‌های تجربی را ارائه می‌دادند. این نتایج با مشارکت‌هایی که بر اساس دانش و ارزیابی ما، برای بحث مهم هستند، تکمیل شده است، حتی اگر اصطلاح "تاب‌آوری اجتماعی" به صراحت ذکر نشده باشد. با

Star and Griesemer . ۱

CANNON . ۲

MULIER\_MAHN . ۳

Lidskog . ۴

Judkins . ۵

Pelling and Manuel-Navarrete . ۶

<sup>۷</sup> این مقاله به صراحت بر ادبیاتی تمرکز دارد که به مفهوم تاب‌آوری اجتماعی اشاره دارد و در نظر ندارد ادبیات تاب‌آوری را بطور کلی ارائه کند. ادبیات درباره‌ی انواع مختلف تاب‌آوری به سرعت در حال افزایش است (مثلاً تاب‌آوری شهری، تاب‌آوری سازمانی، تاب‌آوری جامعه، تاب‌آوری منطقه‌ای) و نمی‌تواند به طور کامل تحت پوشش و بحث در یک بررسی واحد قرار بگیرد.

توجه به شمار زیادی از مشارکتها درباره تاب‌آوری، نمی‌توانیم جامعیت را درباره‌ی تمام اصلاحات مفهومی و برنامه‌های تجربی ادعا کنیم. هدف ما این است که بررسی کلی سیستماتیکی از رشته‌های اصلی در توسعه مفهوم تاب‌آوری اجتماعی ارائه کنیم و چارچوبی پیشنهاد کنیم که بتواند تحقیقات آینده در این زمینه را هدایت کند. در این راستا، می‌خواهیم قطب‌نمایی را برای کمک به محققان فراهم کنیم تا در میان مجموعه فزاینده پیچیده‌ی ادبیات حرکت کنند که آنها را قادر می‌سازد دانش موجود را برای پیشرفت بیشتر در این زمینه تحقق بخشند. برای این منظور، ریشه‌های مفهوم تاب‌آوری را بررسی می‌کنیم و تبارشناسی آن را مشخص می‌کنیم که منجر به شناسایی سه اصل اساسی می‌شود (بخش ۲). در ادامه، در مورد تعاریف متنوع تاب‌آوری اجتماعی بحث می‌کنیم و خلاصه‌ای کوتاه از مطالعات تجربی که تاکنون این مفهوم را به کار برده است، ارائه می‌دهیم (بخش ۳). سپس مکانیزم‌های کلیدی برای ایجاد تاب‌آوری اجتماعی را تشریح می‌کنیم (بخش ۴) و در مورد راه‌های ممکن برای پیشبرد مطالعه حرکت‌کنندگان اجتماعی فضاهای کنونی خطر و تاب‌آوری بحث خواهیم کرد (بخش ۵). این مقاله با نتیجه‌گیری در مورد توسعه مفهوم تاب‌آوری اجتماعی به پایان می‌رسد.

## ۲ تاب‌آوری چیست؟

مفهوم تاب‌آوری بتدریج از تأکید ابتدایی خود بر پایداری کلی عملکردهای سیستم زیست‌محیطی جهان در معرض تغییرات مداوم، از طریق یک جهت‌گیری به سوی سیستم‌های اجتماعی-زیست‌محیطی مرتبط و مسائل سازگاری انسان‌ها در طبیعت، تا تازه‌ترین اصلاح آن و مطرح کردن سوال مهمتری درباره‌ی تحول اجتماعی در مواجهه با تغییر جهانی، تکامل یافته است. ما معتقدیم این سلسله‌شناسی خاص نشان‌دهنده اصول اساسی است که مفهوم تاب‌آوری را ایجاد می‌کنند، به عنوان مثال، پایداری، سازگاری و تحول‌پذیری.

### تاب‌آوری به عنوان پایداری

مقاله کرافورد هولینگ<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) در مورد "تاب‌آوری و پایداری سیستم‌های زیست‌محیطی" به عنوان کار پیشگام در مطالعه تاب‌آوری (به عنوان مثال واکر<sup>۲</sup> و سالت<sup>۳</sup> ۲۰۰۶) نامیده می‌شود. هولینگ با بحث در مورد نمونه‌هایی از قبیل شیوع کرم جوانه خوار صنوبر و نقش آنها در جنگل‌های شمالی در کانادا (هولینگ ۱۹۷۳؛ هولینگ ۱۹۸۶؛ هولینگ ۱۹۹۶)، این مسئله را مطرح کرد که اکوسیستم‌ها، دینامیکی غیر خطی را

---

۱. CRAWFORD HOLLING .

۲. Walker .

۳. Salt .

نشان می دهند. او با مقاله‌اش، اساساً مدل‌های مبتنی بر تعادل ایستای سابق اکوسیستم‌ها را مورد تردید قرار داد. در عوض، او پیشنهاد کرد که به آنها به عنوان سیستم‌های پیچیده و سازگار که دوری بودن را حفظ می‌کنند و بسیاری از حالت‌های با ثبات احتمالی یا "حوضه‌های جاذبه" را به نمایش می‌گذارند نگاه شود. با مفهوم تاب‌آوری، او به "پایداری سیستم‌های [زیست محیطی] و توانایی آنها در جذب تغییر و اختلال و همچنان حفظ روابط مشابه میان جمعیت‌ها و متغیرهای حالت" اشاره کرد (هولینگ ۱۹۷۳، ۱۴). این تاب‌آوری (زیست محیطی) با شدت اختلالی که سیستم می‌تواند تحمل کند و هنوز باقی بماند، اندازه‌گیری شد (کارپنتر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۱). چنین درکی اساساً متفاوت است با معنایی که به وسیله اصطلاح پایداری «ثبات»<sup>۲</sup> تعریف شده است، که توانایی یک سیستم برای بازگشت به یک حالت تعادل پس از یک اختلال موقت را توصیف می‌کند (هولینگ ۱۹۹۶)، و همچنین مربوط به زمان مورد نیاز برای سیستم برای بازگشت به این تعادل است (پیم<sup>۳</sup> ۱۹۸۴). در تغییر از منطق ثبات به منطق تاب‌آوری، تاکید بر آن ویژگی‌هایی است که سیستم را قادر می‌سازد با اختلال و بی‌ثباتی زندگی کند و آن ویژگی‌هایی که انعطاف‌پذیری ذاتی و نقاط قوت آن را تقویت می‌کند که شانس پایداری آن را افزایش می‌دهد. با توجه به تمرکز صریح بر اکوسیستم، در این مرحله، مفهوم تاب‌آوری به طور گسترده توسط دانشمندان علوم اجتماعی نادیده گرفته شد.

### تاب‌آوری به عنوان سازگاری

در سال‌های بعد، محققان اتحادیه تاب‌آوری، یک شبکه تحقیقاتی بین‌المللی و بین‌رشته‌ای، ایده‌ی تاب‌آوری را با انجام مطالعات تجربی در مورد سیستم‌های اجتماعی-زیست محیطی مرتبط بیشتر اثبات کردند (واکر و همکاران ۱۹۸۱؛ واکر ۱۹۹۳؛ کارپنتر و همکاران ۱۹۹۹؛ کارپنتر و همکاران، ۲۰۰۱؛ واکر و همکاران، ۲۰۰۲). یافته‌های تجربی و ملاحظات مفهومی در بسط مدل متا-تئوری "چرخه‌ی سازگار" ادغام شدند (هولینگ ۲۰۰۱؛ گاندرسون<sup>۴</sup> و هولینگ ۲۰۰۲؛ برکس<sup>۵</sup> و همکاران ۲۰۰۳). چرخه‌ی سازگار یک مدل اکتشافی است که یک چرخه‌ی چهارفازی از سیستم‌های پیچیده را به صورت درونی هدایت می‌کند. فازهای عمومی که این سیستم‌ها می‌گذرانند عبارتند از دوره‌های: (۱) انباشت و رشد، (۲) رکود، سفتی و قفل شدن، (۳) ریزش ناگهانی، و (۴) سازماندهی مجدد و تجدید ساختار. با مفهوم "سلسله‌مراتب"، دینامیک مقیاس و اثر متقابل بین چرخه‌های انطباقی تو در تو در نظر گرفته می‌شود که در آن، سیستم تحلیل شده تحت تأثیر چرخه‌های بالاتر و کندتر و هم چرخه‌های پایین‌تر و سریع‌تر قرار می‌گیرد.

---

1 . Carpenter  
2 . stability  
3 . Pimm  
4 . Gunderson  
5 . Berkes

در این فاز دوم گستره‌ی این مفهوم، تاب‌آوری (اجتماعی-زیست محیطی) به عنوان "ظرفیت یک سیستم [اجتماعی-زیست محیطی] برای جذب اختلال و سازماندهی دوباره تعریف شده است در حالیکه دچار تغییرات می‌شود تا ضرورتاً همان عملکرد، ساختار، هویت و بازخوردها را همچنان حفظ کند" (فولک<sup>۱</sup> ۲۰۰۶، ۲۵۹). این تعریف به هدف تلفیق دو ایده تاب‌آوری زیست محیطی و چرخه سازگاری خدمت کرد. به همین ترتیب، تاب‌آوری اجتماعی-زیست محیطی به عنوان بزرگی تغییری که سیستم می‌تواند تحمل کند تا بتواند همچنان در وضعیت ثابت باقی بماند (برای مثال تاب‌آوری زیست محیطی)، و میزان خود سازماندهی سیستم (هولینگ ۲۰۰۱)، به عنوان ظرفیت آن برای سازماندهی دوباره پس از اختلال به شیوه‌ی ناشی شده و وابسته به مسیر تعریف شد (رک. چرخه انطباقی). به منظور اجرایی کردن این مفهوم برای مطالعات پایداری، ظرفیت سیستم برای یادگیری و تطبیق همچنین به عنوان عامل سوم محسوب می‌شود (برکس و همکاران ۲۰۰۳). طرفداران تفکر تاب‌آوری با ایده‌ی سازگاری یا وفق‌پذیری خود را در گفتمان تغییر اقلیم قرار دادند با مطرح کردن این سوال که آیا "انسانها در طبیعت" ممکن است قادر باشند تجارب و دانش خود را باهم ترکیب کنند تا با موفقیت با تغییرات جهانی زیست محیطی سازگار شوند. تاب‌آوری به عنوان یک "هدف مرزی" (استار و گریسیمر ۱۹۸۹؛ استار ۲۰۱۰) میان دو جامعه عمل - یعنی علوم طبیعی و اجتماعی - قرار گرفت و ابزاری شد که اجازه همکاری و تبادل بین رشته‌ای را فراهم کرد.

### تاب‌آوری بعنوان تحول پذیری

یکی از ایده‌های اساسی تفکر تاب‌آوری این بود "که مسائل زیست محیطی را نمی‌توان جدای از بافت اجتماعی بررسی کرد" (ابرین و همکاران ۲۰۰۹، ۵). بدین ترتیب، مفهوم تاب‌آوری را می‌توان به عنوان دعوت دانشمندان علوم طبیعی از دانشمندان علوم اجتماعی برای مشارکت در تحقیق یکپارچه تحت پرچم و هدف اصولی پایداری دانست. به عنوان پاسخی به انتقاد محافظه‌کاری که در خوانش مفهوم تاب‌آوری به هنگام کاربرد در سیستمهای اجتماعی تلویحاً وجود دارد، که توسط دانشمندان علوم اجتماعی انتقادی مطرح شد (پلینگ و ناوارت ۲۰۱۱)، اخیراً طرفداران تاب‌آوری مفهومشان را با اضافه کردن مفهوم تحول یا تحول‌پذیری به روز کرده‌اند. همانطور که در بالا بیان شد، یک سیستم مشاهده می‌شود که دارای چند حالت بالقوه پایدار و یا حوضه‌های جاذبه است، که با هم "چشم انداز ثبات" آن را شکل می‌دهد (گلوپین<sup>۲</sup> ۲۰۰۶، ۲۹۸). سیستم در معرض شوک خاص یا استرس یا تغییرات در ساختارهای داخلی و حلقه‌های بازخورد ممکن است از یک حوضه به دیگری حرکت کند و بنابراین تغییراتی را در عملکرد خود نشان دهد. پس از آن، مفهوم تحول‌پذیری، ظرفیت یک سیستم را برای تبدیل چشم انداز ثبات و ایجاد مسیرهای

---

Folke .<sup>۱</sup>

Gallopin .<sup>۲</sup>

سیستم جدید، زمانی که ساختارهای زیست محیطی، اقتصادی یا اجتماعی سیستم موجود را غیر قابل دفاع می‌سازد (واکر و همکاران، ۲۰۰۴؛ فولک و همکاران، ۲۰۱۰). کلمه "غیر قابل دفاع" (واکر و همکاران، ۲۰۰۴، ۱) به وضوح به مسائلی مربوط می‌شود که تاکنون در قلب گفتمان توسعه، یعنی برابری، عدالت و حقوق بشر، بوده است. می‌توان گفت که این تمرکز جدید در مورد تحول پذیری، فاز سوم عمر این مفهوم را بیان می‌کند.

در مقابل این پس زمینه، تبارشناسی مفهوم تاب‌آوری می‌تواند به عنوان داشتن مرحله تکامل یافته از تمرکز اولیه آن بر پایداری عملکردهای سیستم زیست محیطی، از طریق تاکید بر سازگاری سیستم های اجتماعی-زیست محیطی مرتبط، تا تغییر جهت اخیر آن در بررسی تحول‌پذیری جامعه در برابر تغییرات جهانی خلاصه شود. با در نظر گرفتن این سه مرحله تبارشناسی همان گونه که اصول اساسی که این مفهوم را تشکیل می‌دهند برجسته می‌سازد، تاب‌آوری را می‌توان در کلی ترین معنی‌اش به عنوان ظرفیت یک سیستم در حفظ وضعیت فعلی‌اش در مواجهه با اختلال و تغییر، سازگاری با چالش های آینده و تبدیل شدن به شیوه ای که عملکرد آن را افزایش دهد تعریف کرد. چگونه می‌توان این مفهوم را به قلمرو اجتماعی منتقل کرد؟

### ۳ تاب‌آوری اجتماعی چیست؟

تمام تعاریف تاب‌آوری اجتماعی مربوط به نهادهای اجتماعی - افراد، سازمان ها یا انجمن‌ها - توانایی ها یا ظرفیت‌های آنها برای تحمل، جذب، مقابله و تطبیق با تهدیدات زیست محیطی و اجتماعی مختلف است. همانطور که ابريست<sup>۲</sup> و همکاران. (۲۰۱۰، 289) اشاره کردند، نقطه ورود برای مطالعات تجربی درباره تاب-آوری اجتماعی، این سوال است: "تاب‌آوری به چه چیزی؟ تهدید و خطری که ما بررسی می‌کنیم چه هستند؟" تهدیدات معمولاً با توجه به واحدهای اجتماعی (به عنوان مثال تاثیر افزایش قیمت ها در هزینه های خانوار)، به نظر می‌رسد که از خارج نشات می‌گیرند، اما ممکن است همچنین از دینامیک های داخلی (مثلاً تاثیر بیماری ها بر درآمد خانوار) و یا تعامل بین این دو ناشی شود (گلوپین ۲۰۰۶، ۲۹۵). ترنر<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۳، ۸۰۷۵) میان استرسها که با تهدیدات مداوم یا به آرامی افزایش یابنده (مثلاً تخریب خاک) مشخص می‌شوند و اختلالاتی که به خطرات ناگهانی (به عنوان مثال طوفان) اشاره می‌کنند تمایز قائل شدند که واحدهای اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. آنها تأکید می‌کنند که رویدادها و دینامیک های

---

1. untenable .

2. Obrist .

3. Turner .

اجتماعی همانند رویدادهای زیست محیطی می‌توانند به عنوان تهدید در نظر گرفته شوند و واحدهای اجتماعی معمولاً در معرض عوامل استرسزا قرار می‌گیرند (همچنین نگاه کنید به لیچنکو و ابرین<sup>۱</sup> ۲۰۰۸).

مطالعات تجربی مورد بررسی در مورد تاب‌آوری اجتماعی، طیف گسترده‌ای از تهدیدات را مطرح می‌کنند. در حالی که برخی مطالعات نسبتاً گسترده و کلی باقی می‌مانند (سینر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹)، بیشتر مطالعات دیگر بر روی عوامل استرسزای خاص تمرکز می‌کنند که می‌توانند به طور گسترده‌ای به سه دسته تقسیم شوند:

۱- دسته اول بر خطرات و فجایع طبیعی متمرکز است و شامل مطالعات مربوط به خشکسالی (راک استروم<sup>۳</sup> ۲۰۰۴؛ پیرس<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰)، سیل (برون<sup>۵</sup> و آسهوئر<sup>۶</sup> ۲۰۱۱؛ کشمن<sup>۷</sup> ۲۰۱۱؛ هاس<sup>۸</sup> ۲۰۱۱؛ لوپز-ماررو<sup>۹</sup> و چیکرت<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۱)؛ طوفان‌های گرمسیری (تامپ‌کینز<sup>۱۱</sup> ۲۰۰۵؛ فریزیر<sup>۱۲</sup> و همکاران ۲۰۱۰؛ هاو<sup>۱۳</sup> ۲۰۱۱؛ مک سوینی و کومز<sup>۱۴</sup> ۲۰۱۱؛ پلینگ و منیول-ناوارت، ۲۰۱۱)؛ فوران آتشفشان (توبین<sup>۱۵</sup> و وایت فورد<sup>۱۶</sup> ۲۰۰۲)؛ سونامی (اجر<sup>۱۷</sup> و همکاران ۲۰۰۵؛ لارسن<sup>۱۸</sup> و همکاران ۲۰۱۱؛ بیگس<sup>۱۹</sup> و همکاران ۲۰۱۲) و آتش‌سوزی (هارت<sup>۲۰</sup> و همکاران ۲۰۰۹؛ مک‌گی<sup>۲۱</sup> ۲۰۱۱) می‌شود.

۲- گروه دوم مقالات بیشتر به استرس درازمدت مرتبط با مدیریت منابع طبیعی، کمبود منابع و تنوع زیست محیطی اشاره دارد. مطالعات موردی بر مسائلی مانند تبدیل جنگل‌های مانگرو (اجر ۲۰۰۰)، حفاظت منابع دریایی (مارشال<sup>۲۲</sup> و همکاران ۲۰۰۹)، بیابان‌زایی (برادلی و گرینگر<sup>۲۳</sup>

- 
- Leichenko and O'Brien . ۱  
Cinner . ۲  
Rockstrom . ۳  
Pearce . ۴  
Braun . ۵  
Alshauer . ۶  
Cashman . ۷  
Haase . ۸  
Lopez-Marrero . ۹  
Tschakert . ۱۰  
Tompkins . ۱۱  
Frazier . ۱۲  
Howe . ۱۳  
McSweeney and Coomes . ۱۴  
Tobin . ۱۵  
Whiteford . ۱۶  
Adger . ۱۷  
Larsen . ۱۸  
Biggs . ۱۹  
Harte . ۲۰  
McGee . ۲۱  
Marshall . ۲۲  
Bradley and Grainger . ۲۳

۲۰۰۴)، کاهش کیفیت آب (گوچ<sup>۱</sup> و همکاران ۲۰۱۲)، کمبود آب (لنگریج<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۶)، تغییرپذیری اقلیمی و تغییرات اقلیمی (اندفیلد<sup>۳</sup> ۲۰۰۷؛ هیوارد<sup>۴</sup> ۲۰۰۸؛ راسموسن<sup>۵</sup> و همکاران ۲۰۰۹؛ مارشال ۲۰۱۰؛ گارشاکن<sup>۶</sup> ۲۰۱۱؛ مارشال و همکاران ۲۰۱۱؛ دشینگکار<sup>۷</sup> ۲۰۱۲؛ شفرن<sup>۸</sup> و همکاران ۲۰۱۲؛ تریراپ<sup>۹</sup> ۲۰۱۲).

۳- گروه سوم مطالعات به انواع مختلف تغییرات اجتماعی و مسائل توسعه و بررسی سیاست و تغییرات سازمانی (توماس و تویمان<sup>۱۰</sup> ۲۰۰۵؛ مارشال ۲۰۰۷؛ مارشال و مارشال ۲۰۰۷؛ مارشال و همکاران ۲۰۰۷)، مهاجرت (اجر و همکاران ۲۰۰۲؛ پورتر<sup>۱۱</sup> و همکاران ۲۰۰۸؛ سیگمن<sup>۱۲</sup> ۲۰۱۰)، تحولات اقتصادی منطقه ای (اوانز<sup>۱۳</sup> ۲۰۰۸)، گردشگری (آدامز<sup>۱۴</sup> ۲۰۱۰)، توسعه زیرساخت ها (پرز<sup>۱۵</sup> و همکاران ۲۰۱۰)، تغییرات اجتماعی و فضایی شهری (بوزاروسکی<sup>۱۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۱)، بحران اقتصادی و عدم اطمینان (شوارز<sup>۱۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ زینگل<sup>۱۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ کک و همکاران، ۲۰۱۲) و خطرات سلامتی (لیپرت و رویتر<sup>۱۹</sup> ۲۰۰۵؛ هوی<sup>۲۰</sup> و همکاران ۲۰۰۸؛ دونگس<sup>۲۱</sup> و همکاران ۲۰۱۰؛ ابریست و همکاران ۲۰۱۰).

همه این مطالعات در این واقعیت مشترک هستند که آنها از تاب‌آوری اجتماعی به عنوان مفهوم هدایت کننده خود استفاده می کنند. چگونه نویسندگان مختلف، تاب‌آوری اجتماعی را تعریف می کنند؟ این بررسی نشان می دهد که ظهور مفهوم تاب‌آوری اجتماعی شباهت خاصی به توسعه مفهومی تاب‌آوری دارد، همانطور که در بخش ۲ توضیح داده شده است. آن با درک نامشخص از تاب‌آوری اجتماعی به عنوان ظرفیت پاسخ دهی آغاز می شود، که پس از آن همانطور که مفاهیم یادگیری و سازگاری را به منظور شکل دهی یک

Gooch .	۱
Langridge .	۲
Endfield .	۳
Hayward .	۴
Rasmussen .	۵
Garschagen .	۶
Deshingkar .	۷
Scheffran .	۸
Traerup .	۹
Thomas and Twyman .	۱۰
Porter .	۱۱
Siegmann .	۱۲
Evans .	۱۳
Adams .	۱۴
Perz .	۱۵
Bouzarovski .	۱۶
Schwarz .	۱۷
Zingel .	۱۸
Leipert and Reutter .	۱۹
Hoy .	۲۰
Dongus .	۲۱



تعریف ترکیبی شامل می‌کند تکامل می‌یابد، و با به رسمیت شناختن اهمیت نقش‌های قدرت، سیاست و مشارکت در زمینه افزایش عدم اطمینان و تعجب به اوج می‌رسد

### ترسیم بینش‌های آنالیز آسیب‌پذیری

اولین تعریف تاب‌آوری اجتماعی توسط اجر (۲۰۰۰، ۳۶۱) ارائه شد که آن را "به عنوان توانایی جوامع برای مقاومت در برابر صدمات خارجی به زیرساخت‌های اجتماعی خود" می‌داند. مانند درک فوق‌الذکر در مورد تاب‌آوری به عنوان توانایی مقاومت، تمرکز این تعریف بر ظرفیت نهادهای اجتماعی برای محافظت از خود در برابر انواع وقایع خطرناک بود. با درک مشابه در ذهن، ترنر و همکاران (۲۰۰۳، ۸۰۷۵) مفهوم تاب‌آوری را در مفهوم آسیب‌پذیری خود ترکیب کردند و آن را به عنوان "ظرفیتهای سیستم برای [...] پاسخگویی" تعریف کردند: آنها می‌نویسند: "این پاسخ‌ها، چه اقدام مستقل یا برنامه‌ریزی شده، عمومی یا خصوصی، فردی یا نهادی، تاکتیکی یا استراتژیک، کوتاه مدت یا درازمدت، پیش‌بینی شده یا واکنشی در نوع، و نتایج آنها به طور جمعی، تاب‌آوری سیستم متصل را تعیین می‌کنند" (همان ۸۰۷۷).

در مقابل این پس‌زمینه می‌توان استدلال کرد که تاب‌آوری ترکیبی از آن عناصری است که در مفاهیم سابق با اصطلاحات "استراتژی‌های مقابله‌ای" و "ظرفیت‌سازی" مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، ایده تاب‌آوری فراتر از این دو عنصر است. مفهوم تاب‌آوری بطور ذاتی پویاست و بر مفهوم هراکلیتوسی "همه چیز تغییر می‌کند، هیچ چیز ثابت باقی نمی‌ماند" متکی است. به این ترتیب، عدم قطعیت، تغییر و بحران را به عنوان شرایط عادی، به جای شرایط استثنایی، در بر می‌گیرد. بنابراین، تجزیه و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی به درک مکانیسم‌هایی وابسته است که بوسیله آنها یک سیستم می‌تواند نه تنها با چالش‌هایی که مستقیماً روبروست، بلکه با چالش‌های غیرمنتظره و ناشناخته تطبیق یابد (کیتس و کلارک<sup>۱</sup> ۱۹۹۶؛ استریتس و گلانتز<sup>۲</sup> ۲۰۰۰). گلاوویک<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۳، ۲۹۱) تاب‌آوری اجتماعی را به عنوان "ظرفیت جذب [...] تغییر - توانایی مقابله با شگفتی‌ها و مقابله با اختلالات" تعریف کردند.

### آمیختن یادگیری و سازگاری در تعاریف ترکیبی

در مرحله دوم، تعریف تاب‌آوری اجتماعی با افزودن مهارت‌ها و فنون بیشتری که برای مقابله موفقیت‌آمیز با عدم قطعیت و تغییر لازم بود، گسترده‌تر شد. برای مثال پلینگ (۲۰۰۳، ۴۸) معتقد است که تاب‌آوری

۱ . Kates and Clark  
۲ . Streets and Glantz  
۳ . Glavovic

اجتماعی "محصولی از میزان آمادگی برنامه ریزی شده مورد استفاده در خطر بالقوه و تطبیقهای خودبخودی یا پیش بینی شده ی انجام شده در پاسخ به احساس خطر، از جمله امداد و نجات است". کاتر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۸) تاب‌آوری اجتماعی را "توانایی یک سیستم اجتماعی برای پاسخ و بهبودی از بلایای طبیعی" تعریف می‌کند و بیان می‌کند که "شامل شرایط ذاتی است که به سیستم اجازه می‌دهد تا تاثیرات را جذب و با یک رویداد مقابله کند، و همچنین شامل فرآیندهای تطبیقی پس از رویداد است که توانایی سیستم اجتماعی را برای سازماندهی مجدد، تغییر و یادگیری در پاسخ به یک تهدید تسهیل می‌کنند." پلینگ (۲۰۰۳) و کاتر و همکاران (۲۰۰۸) هر دو بر ظرفیتهای پیش بینی و آمادگی قبل از تهدید کنشگران اجتماعی و ظرفیت یک سیستم اجتماعی برای یادگیری از حوادث خطرناک که چگونه می‌توان با آن در آینده مقابله کرد تاکید می‌کنند.

این بازخورد مثبت یادگیری از بحران‌های گذشته برای مقابله بهتر با تردیدها در آینده، مسیری را برای تعاریف ترکیبی جدید ارائه می‌دهد. گلاوویک و همکاران (۲۰۰۳، f.۲۹۰). نوشته‌اند که تاب‌آوری اجتماعی عمدتاً تحت تأثیر [...] نهادها [...] و شبکه‌هایی است که مردم را قادر می‌سازد تا به منابع دسترسی داشته باشند، از تجربیات یاد بگیرند و شیوه‌های سازنده‌ای را برای مقابله با مشکلات رایج ایجاد کنند." بر اساس این ملاحظات، ابريست و همکاران. (289, a۲۰۱۰) تاب‌آوری اجتماعی را "به عنوان ظرفیت کنشگران برای دسترسی به سرمایه‌هایی به منظور - نه تنها مقابله با شرایط نامساعد (یعنی ظرفیت واکنشی) - بلکه جستجو و ایجاد گزینه‌ها (یعنی ظرفیت پیش‌گستر) و در نتیجه افزایش شایستگی (یعنی نتایج مثبت) در برخورد با تهدید تعریف می‌کنند. از این منظر، تاب‌آوری اجتماعی نه تنها به توانایی‌های کنشگران یا نهادهای اجتماعی برای محافظت از خود در مقابل انواع تهدیدات کمک می‌کند: علاوه بر ظرفیت‌های جذب شده در برابر اختلالات و استرس، ایده تاب‌آوری اجتماعی همچنین نشان می‌دهد که فاجعه‌ها می‌توانند به عنوان فرصت برای انجام کارهای جدید، برای نوآوری و توسعه مشاهده شوند (بوهل<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). بدین ترتیب، به طور کامل تاب‌آور بودن، به معنی مقابله با بحران‌های آینده با یادگیری، از طریق تجربه شوک‌ها و آشفتگی‌ها است که در آن چه اقدامات بیشتر یا کمتری در شرایط عدم اطمینان مناسب هستند. بنابراین، مسئله اصلی تاب‌آوری اجتماعی، همانطور که ابريست و همکارانش (291, a۲۰۱۰) اشاره کرده‌اند: این هست که "چه چیزی باعث افزایش توانایی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها برای مقابله با تهدیدات می‌شود".

---

<sup>۱</sup> Cutter .  
<sup>۲</sup> Bohle .

## پذیرفتن قدرت، سیاست و مشارکت در تحول

با وجود اینکه این شرح اخیر مفهوم تاب آوری اجتماعی ممکن است امیدوار کننده باشد، بسیاری از محققان اجتماعی آن را بیش از اندازه خوش بینانه تلقی کرده اند، زیرا بافت ویژه کنشگران اجتماعی نادیده گرفته می شود. لورنز (۲۰۱۰) به درستی خاطر نشان کرده است که اینکه افراد قادر به مقابله با تهدیدها باشند، از آنها یاد بگیرند و به بحران های آینده برسند، تنها توسط خود افراد و یا استعداد و تمایل آنها به سرمایه گذاری در اقدامات کاهش و تطبیق تصمیم گرفته نمی شود؛ مهمتر از همه، این یک مسئله ای است که شامل تمام آن عوامل اجتماعی است که توانایی افراد را برای دسترسی به دارایی ها، توانایی برای یادگیری و همچنین تبدیل شدن به بخشی از روند تصمیم گیری تسهیل و محدود می کند. بنابراین، در قلب خود، تاب آوری اجتماعی باید پاسخ مناسبی به سوء تعامل ساختارهای اجتماعی و آژانس کنشگران اجتماعی ارائه دهد (بوهل و همکاران ۲۰۰۹).

واس<sup>۱</sup> (۲۰۰۸، ۴۵) روشن کرده است که "نظر غالب این بود که فشار یک مسئله ی عینی به اندازه کافی برای ایجاد فرآیندهای راه حل مناسب بود. این بر اساس یک اعتماد اساسی بود که تمام مشکلات امروز یا آینده می تواند با موفقیت از طریق تکنولوژی و علم [...] در یک توده ی غیر سیاسی انجام شود." با این حال این نظر معلوم شد که اشتباه است؛ اولاً چون دیدگاه ها و انتظارات متفاوتی از ذینفعان گوناگون در هنگام روبرو شدن با چالش های امروز باید در نظر گرفته شود، و دوماً، به این دلیل که هیچ وضعیت گفتار ایده آل هابرماس وجود ندارد (لورنز ۲۰۱۰). چه نوع تهدیدی درک می شود، چگونه با آن برخورد می شود، و آیا صدای فقیر و حاشیه نشین شنیده می شود یا نه - همه این مسائل مربوط به توانایی های کنشگران برای شرکت در فرایندهای حکومتی است (واس ۲۰۰۸). اگر برای اجرای راه حل های استاندارد، صداهای جایگزین یا انتقادی ناشنیده باقی بمانند، ظرفیت مشارکت سیستم و توزیع نابرابر قدرت و دانش، مسائل کلیدی تاب آوری اجتماعی می شوند (به عنوان مثال گلاوویک و همکاران ۲۰۰۳؛ بوهل و همکاران ۲۰۰۹؛ ابرین و همکاران ۲۰۰۹؛ دیویدسون ۲۰۱۰؛ لورنز ۲۰۱۰؛ ابريست و همکاران ۲۰۱۰ الف). در واقع، شرایطی وجود دارد که لازم است در برخورد با خطرات تفاوت ایجاد شود که از شیوه های مقابله و سازگاری معمول فراتر می رود. این تغییرات ممکن است شامل نوآوری های تکنولوژیکی و اصلاحات سیاسی باشد مانند خارج کردن تدریجی نیروی هسته ای آلمان تا انرژیهای تجدید پذیر تقویت شوند. با این حال، چنین تغییراتی به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی (اخلاق، دانش، نگرش نسبت به ریسک و فرهنگ) و آستانه های اجتماعی قرار می گیرند و از پرسش های مردم در مورد زندگی روزمره، روال ها، هنجارها، ارزش ها و مفروضات گرفته شده در مورد واقعیت شروع می شود (اجر و همکاران ۲۰۰۹؛ ابرین ۲۰۱۱؛

<sup>۱</sup> Voss .

کریستینسن<sup>۱</sup> و کروگمن<sup>۲</sup> (۲۰۱۲). از این رو، بنه<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۲) به درستی خاطر نشان کرده اند که موانع قابل توجهی برای تحولات اجتماعی وجود دارد که در نظام های قدرت و دانش ریشه دارند و اغلب عمیقاً بر ساختارهای اجتماعی متکی هستند و ذینفعان قدرتمند از آن حمایت می کنند.

## سه ظرفیت تاب آوری اجتماعی

وضعیت بحث کنونی در مورد چگونگی تعریف تاب آوری اجتماعی به این نقطه رسیده است که چندین نویسنده مانند واس (۲۰۰۸)، لورنز (۲۰۱۰)، ابريست و همکاران (۲۰۱۰ الف)، بنه و همکاران (۲۰۱۲) و کک (۲۰۱۲) پیشنهاد کرده اند که سه نوع مختلف توانایی و ظرفیت برای فهم مفهوم تاب آوری اجتماعی در معنای کامل آن ضروری است. این ها ظرفیت های مقابله ای، ظرفیت های سازگاری و ظرفیت های تحول هستند. در ردیف های جدول ۱، چهار معیار را فهرست کردیم تا معانی متمایز این سه اصطلاح را روشن سازیم. نخستین معیار اشاره به پاسخ افراد به خطرات دارد و بین فعالیت های پیشین و پس از آن تمایز قائل می شود. معیار دوم، محدوده زمانی، به افق زمانی که مورد بررسی است اشاره دارد. یک محدوده بین آژانس مبتنی بر تفکر فوری و کوتاه مدت، و آژانس محاسباتی مرتبط با پروژه، بر اساس یک منطق بلند مدت گسترده شده است. معیار سوم به میزان تغییرات تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی و معیار چهارم به نتایجی که با این سه ظرفیت مرتبط است اشاره دارد.

با استفاده از این چهار معیار، می توان هر یک از ظرفیت های فوق را در ماتریس تاب آوری اجتماعی قرار داد:

(۱) ظرفیت های مقابله ای اقدامات "واکنشی" (بعدی) (ابریست ۲۰۱۰ الف، ۲۸۹) و "جذب کننده"

(بنه و همکاران ۲۰۱۲، ۲۱) را نشان می دهند که چگونه افراد با استفاده از این منابع که به طور مستقیم در دسترس هستند به مقابله با تهدیدات فوری و غلبه بر آن پرداختند. منطق پشت تطبیق، بازگرداندن سطح فعلی سلامت به طور مستقیم پس از یک رویداد بحرانی است.

(۲) ظرفیت های سازگاری به اقدامات "فعال" (از قبل) (ابریست ۲۰۱۰ الف، ۲۸۹) یا "اقدامات

پیشگیرانه" اشاره می کند (بنه و همکاران ۲۰۱۳، ۳۱) که مردم برای یادگیری از تجارب گذشته، پیش بینی خطرات آینده و تنظیم معیشتشان به کار می گیرند. سازگاری به تغییرات تدریجی هدایت می شود و برای حفظ وضعیت فعلی رفاه مردم در مواجهه با خطرات آینده خدمت می کند.

۱ . Christensen

۲ . Krogman

۳ . Béné

تفاوت عمده بین مقابله و سازگاری در دامنه زمانی فعالیت های درگیر است. در حالی که مقابله با آژانس های تاکتیکی و منطق کوتاه مدت سر و کار دارد، سازگاری شامل آژانس راهبردی و برنامه ریزی بلند مدت تر است.

جدول ۱: سه ظرفیت تاب‌آوری اجتماعی

ظرفیتهای تحول	ظرفیتهای سازگاری	ظرفیتهای مقابله‌ای	
از قبل	از قبل	بعد از	پاسخ به ریسک
بلند مدت	بلند مدت	کوتاه مدت	محدوده زمانی
زیاد، تغییر اساسی	متوسط، تغییر افزایشی	کم، وضع موجود	درجه تغییر
تقویت رفاه حال و آینده	امنیت سلامت آینده	بازسازی سطح فعلی رفاه	نتیجه

منبع: پیش‌نویس شخصی بر اساس واس (۲۰۰۸)، لورنز (۲۰۱۰)، اوبریست و همکاران (۲۰۱۰)، بنه و همکاران (۲۰۱۲)، کک (۲۰۱۲)

۳) سرانجام، ظرفیتهای تحول یا "ظرفیت های مشارکتی" در سخنان واس (۲۰۰۸) و لورنز (۲۰۱۰)، شامل توانایی افراد برای دسترسی به دارایی ها و کمک ها از عرصه گسترده‌تر اجتماعی و سیاسی (از جمله سازمان های دولتی و به اصطلاح جامعه مدنی) برای شرکت در روند تصمیم گیری و ایجاد نهادهائی که هم رفاه فردی آنها را بهبود می بخشد و هم ثبات اجتماعی را در بحران های آینده ارتقاء می بخشد. تفاوت اصلی بین تحول و سازگاری به درجه تغییر و نتیجه آن اشاره دارد. تحول؛ تغییر اساسی است که هدف آن ایجاد امنیت نیست، اما به منظور ارتقای رفاه مردم در برابر خطرات موجود و / یا آینده است. به همین ترتیب، آن به صراحت شامل موضوعات تغییر و پیشرفت پیشرو است.

تاکنون، ارزیابی سیستماتیک از رابطه بین سه بعد تاب آوری اجتماعی وجود نداشته است که اغلب به عنوان دنباله ای خطی مطرح می شود که بر اساس درجه دسترسی که کنشگران اجتماعی در معرض آن هستند یا درجه‌ای که آژانس درگیر است قطع می‌شود (بنه و همکاران ۲۰۱۲). با این حال، در حالی که موقعیت در سیستم های اجتماعی ممکن است بر سرمایه گذاران اجتماعی با ظرفیت های مختلف تاثیر بگذارد، درک این سه اصطلاح به عنوان نشانگرهای قدرت ایستا در بخش های مختلف جامعه گمراه کننده خواهد بود. مطالعات موردی تجربی نشان می دهد که همه سه بعد آژانس را می توان در میان همه کنشگران در همه

مقیاس ها یافت، هرچند به اندازه های مختلفی بسته به زمینه (کک و اتزولد<sup>۱</sup> در این جلد). بر طبق اجر و همکاران. (۲۰۱۱) ما به این ترتیب، سوالات زیر را از منظر مطالعات توسعه بیشتر مطرح می کنیم: در چه شرایطی ممکن است سه بعد تاب آوری اجتماعی به طور متقابل یکدیگر را به اجرا درآورند؟ و در چه موارد ممکن یک توانایی دیگری را تضعیف کند؟

#### ۴ تاب آوری اجتماعی به چه وسیله؟

برخلاف مفهوم عمومی تاب آوری، درک تاب آوری اجتماعی عمیقا تحت تأثیر بینش های علوم اجتماعی قرار گرفته و به مسائل مربوط به کمک انسانی، شیوه های اجتماعی، روابط قدرت، نهادها و گفتمان ها پرداخته است - جنبه هایی که بطور گسترده در مطالعات تاب آوری زیست محیطی نادیده گرفته شده اند. پس از ارائه تواناییهای کلیدی در بخش بالا، در مرحله بعد، ما به مسئله تعیین کننده های کلیدی تاب آوری اجتماعی، یعنی روابط اجتماعی و ساختارهای شبکه؛ نهادها و روابط قدرت؛ و دانش و گفتمان خواهیم پرداخت.

#### روابط اجتماعی و ساختارهای شبکه ای

همانطور که تاب آوری اجتماعی با ایده ظرفیت ارتباط نزدیکی دارد (کانن ۲۰۰۸)، نویسندگانی مانند مایونگا (۲۰۰۷) و اوبریست و همکاران. (۲۰۱۰الف) بینش هایی از رویکرد آسیب پذیری اجتماعی و معیشت را ترسیم می کنند و به اهمیت سرمایه گذاری با انواع دارایی ها به عنوان یک عامل تعیین کننده در تاب آوری اجتماعی اشاره می کنند (همچنین سینر و همکاران ۲۰۰۹ مشاهده کنید). این مطالعات به انواع وسیعی از دارایی ها برای مثال سرمایه اقتصادی، سرمایه فیزیکی، سرمایه طبیعی، سرمایه انسانی و غیره اشاره دارد. با این حال، در مقابل پس زمینه ای که دارایی ها به طور گسترده ای به عنوان محصولات روابط اجتماعی شناخته می شوند (ساکداپولارک ۲۰۱۰، ۵۷-۶۰)، سرمایه اجتماعی به عنوان ایفا کننده نقش اصلی در ساخت و حفظ تاب آوری اجتماعی شناخته می شود (به عنوان مثال اجر ۲۰۰۰؛ اجر و همکاران ۲۰۰۲؛ پلینگ و های، ۲۰۰۵؛ ولف و همکاران ۲۰۱۰؛ شفرن و همکاران ۲۰۱۲).

مطالعاتی که با این مسئله مواجه می شوند می توانند به کسانی که عمدتا ساختار شبکه های اجتماعی را تجزیه و تحلیل می کنند و آنهایی که بر معنا و محتوای روابط اجتماعی تمرکز می کنند، تقسیم می شوند

---

<sup>۱</sup> Etzold .

(کک و همکاران ۲۰۱۲). مطالعات ارنستسون<sup>۱</sup> و همکاران (ارنستسون ۲۰۰۸؛ ارنستسون و همکاران ۲۰۱۰ الف و ۲۰۱۰ ب) نمونه‌هایی از گروه اول مطالعات هستند. نویسندگانی مانند بودین<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۶) سعی کرده‌اند که نسبت رابطه قوی و ضعیف مورد نیاز برای ایجاد تاب‌آوری اجتماعی، بهینه را ارزیابی کنند. و مور و وستلی (۲۰۱۱) استدلال می‌کنند که نظریه شبکه به توضیح انواع شبکه‌های مورد نیاز برای تاب‌آوری اجتماعی کمک می‌کند. با این حال، آنها پذیرفته‌اند که تنها حضور ساختار شبکه تضمین نمی‌کند که نوآوری صورت گیرد. آنچه بسیار ضروری است "کارآفرینان سازمانی" است که فرآیندهای نوآورانه‌ای را انجام می‌دهند.

پلینگ و های (۲۰۰۵)، تریاپ (۲۰۱۲) و کک و همکاران (۲۰۱۲) گروه دوم مطالعات را نشان می‌دهند که بر محتوای روابط اجتماعی و نقش حیاتی اعتماد، حمایت متقابل و دوجانبه تأکید می‌کنند. پلینگ و های (۲۰۰۵) پیشنهاد کرده‌اند که تعاملات غیررسمی اجتماعی بهترین منابع جوامع برای حفظ ظرفیت آنها برای ایجاد تاب‌آوری اجتماعی و تغییر جهت جمعی است. کک و همکاران (۲۰۱۲) روشن کرده‌اند که شبکه‌های غیر رسمی نقش قاطعی در تامین مواد غذایی شهری در شهرهای در حال توسعه دارند. در حالی که اکثر نویسندگان، سرمایه اجتماعی را یک منبع توانمند برای ایجاد تاب‌آوری می‌دانند، بوهل (۲۰۰۶) به ماهیت دوگانه شبکه‌های اجتماعی توجه کرده است؛ گاهی اوقات امکان‌پذیر، اما گاهی اوقات محدود کننده و محروم کننده می‌شوند.

## نهادها و روابط قدرت

همانند دارایی‌ها، مسائل دسترسی نیز به تمرکز تحقیقات تاب‌آوری اجتماعی وارد می‌شوند. در تلاش برای درک دسترسی مردم به منابع، چندین نویسنده بر اهمیت نهادها، به عنوان قوانین و هنجارهایی که هر دو ساختار یافته و توسط شیوه‌های اجتماعی تشکیل می‌شوند (اتزولد و همکاران ۲۰۱۲) تأکید دارند. برای مثال اجر (۲۰۰۰، ۳۵۴) بیان می‌کند که "تاب‌آوری اجتماعی از طریق نهادها تعیین می‌شود، بدین معنی که نهادها در همه سیستم‌های اجتماعی نفوذ می‌کنند و از لحاظ ساختاری و توزیع دارایی‌ها، اساساً سیستم اقتصادی را تعیین می‌کنند. در این راستا، هوتز<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، گراشاگن (۲۰۱۱) و کک (۲۰۱۲) و اثربخشی مطالعه تاب‌آوری اجتماعی را از طریق لنزهای نظریه سازمانهای نوسازمانی نشان داده‌اند. از دیدگاه تجربی، وارگیس<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۶) اهمیت یک دیدگاه متمایز از نقش که دسترسی به زمین در تاب‌آوری جامعه را نشان می‌دهد اشاره کردند. لنگریچ و همکاران (۲۰۰۶، ۱۲) در مطالعه خود نشان داده‌اند که چگونه

---

<sup>۱</sup> Ernstson .  
<sup>۲</sup> Bodin .  
<sup>۳</sup> Hutter .  
<sup>۴</sup> Varghese .

ظرفیت جوامع کالیفرنای شمالی برای مقابله با کمبود آب به طور مستقیم تحت تأثیر دسترسی آب قرار نمی گیرد، بلکه به وسیله "مکانیزم مستقل احتمالی برای دستیابی، کنترل و حفظ دسترسی به آب" تحت تأثیر قرار می گیرد. در نتیجه، نویسندگان به درستی می خواهند تجزیه و تحلیل مجموعه کامل مکانیسم های ساختاری و ارتباطی دسترسی داشته باشند.

مسئله دسترسی، مسائل مربوط به برابری، عدالت و قدرت را در دستور کار قرار داده است. در این راستا، ابريست و همکاران. (۲۰۱۰) اهمیت سرمایه فرهنگی مردم را در قالب جنسیت، خویشاوندی یا مدل های نقشی نژادی را در تعیین دسترسی آنها به مراقبت های بهداشتی مالاریا مشخص کرده اند. گلاوویک و همکاران (۲۰۰۳) در گزارش خود بحث کرده اند که تاب آوری در یک سطح از یک جامعه، الزاما تاب آوری در سطح دیگری را بهبود نمی بخشد، و کانن (۲۰۰۸، f۱۲). استدلال می کند که "جامعه ها مکانی هستند که در آن هر روز نابرابری معمول، استثمار، ظلم و کینه جویی به بافت روابط متصل می شوند." بر این اساس، وی معتقد است که جوامع باید به عنوان مکان هایی با توزیع نامتقارن، آسیب پذیری های نامتقارن و با توزیع نامتقارن پتانسیل ها برای مقابله با آنها در نظر گرفته شوند. از این منظر، فرآیند ساخت، حفظ و تکثیر تاب آوری اجتماعی به عنوان یک فرآیند بسیار متناقض و حتی متضاد ظاهر می شود. علاوه بر این، مهم است که توجه داشته باشید که "بهینه سازی برای یک نوع تاب آوری می تواند سایر اشکال تاب آوری را کاهش دهد" (واکر و سالت ۲۰۰۶، ۱۲۱). به عبارت دیگر، تاب آوری پرهزینه است و مهم است که در شرایط منابع محدود و گزینه های محدود، هرچند در دسترس، برای عمل به دست آید. از این رو، مطالعات تاب آوری اجتماعی همیشه باید به این مسئله که چه کسانی برنده و بازنده پروسه های مداوم ساختن تاب آوری اجتماعی هستند، بپردازد.

## دانش و گفتمان

مطالعات اخیر در مورد تاب آوری اجتماعی بر نقش دانش و فرهنگ تأکید دارند. مارشال و مارشال (۲۰۰۷، ۱۰) پیشنهاد کرده اند "این درک از خطر باید در مدل های مفهومی تاب آوری آینده ارائه شود". مطالعه آنها نشان می دهد که چگونه دامداران در استرالیا و ایالات متحده آمریکا ظرفیت خود را برای مقابله و سازگاری با تنوع اقلیمی بیش از حد ارزیابی می کنند و این تصور اشتباه باعث آسیب پذیر شدن آنها در برابر وقایع شدید آب و هوایی می شود (همچنین بنگرید مارشال، ۲۰۱۰). به همین ترتیب، فوریدی<sup>۱</sup> (۲۰۰۷، ۴۸۵) استدلال کرده است که شیوه هایی که مردم "در یک فوریت با فاجعه مقابله می کنند، [...] توسط یک روایت فرهنگی شکل می گیرند که مجموعه ای از انتظارات را ایجاد می کند و مردم را نسبت به برخی

---

<sup>۱</sup> Furedi .



مشکلات بیشتر حساس می کند". به این ترتیب، "درک ریسک، اولویت، باور، دانش و تجربه، عوامل کلیدی است که در سطح فردی و اجتماعی تعیین می کند که آیا و چگونه سازگاری صورت می گیرد" (شوآرز و همکاران ۲۰۱۱، ۱۱۳۸).

واس (۲۰۰۸) بطور متقاعدکننده نشان داده است که تاب آوری اجتماعی موضوع قدرت مردم است برای تعریف آنچه تهدید و یا فاجعه می داند و آنچه نمی دانند، از آنجایی که که گفتمان های هژمونیک همیشه غالب هستند، در حالی که گفتمان های زیردست به ندرت شنیده می شوند. لورنز (۲۰۱۰) درک تاب آوری نهادهای اجتماعی از نظر نظم نمادین آنها از معنا را بحث می کند. کولیکه<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) به منظور برجسته ساختن ساختار اجتماعی و مکانیزم های مرتبط آن از "اسطوره تاب آوری" سخن می گوید. او در مطالعه خود درباره مدیریت سیل در شهرداری آلمان نشان داده است که تاب آوری، به عنوان یک شکل گیری گفتمانی، می تواند ابزار قدرتمند برای ایجاد و تقویت روابط قدرت جدید در داخل شهرداری باشد. الویگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در مطالعه خود در شمال غنا، به ساختار چند منظوره تاب آوری محلی به عنوان نتیجه ای از تعامل سازمان های قدرتمند جهانی با جمعیت محلی اشاره کرده است. به همین ترتیب، تاب آوری محصولی از تخیل و گفتمان محلی و جهانی است. تمام این مطالعات تاکید دارند بر اهمیت پرسش اینکه جهانی های متعدد توسط چه کسی، برای چه هدفی و با چه عواقبی، از طریق مفهوم تاب آوری منتقل می شوند. در این راستا، "نظریه تاب آوری [...] نیاز دارد نقش اژانس ذینفع و فرآیندی که از طریق آن دیدگاههای مشروع تاب آوری تولید می شود، مورد پذیرش و مشارکت قرار گیرد" (لارسن و همکاران ۲۰۱۱، ۴۹۱). همانطور که ارنستسون (۲۰۰۸، ۱۷۴) استدلال کرده است، آنچه که مورد نیاز است، تمرکز واضح بر تشکیل و بازتولید گفتمان های (هژمونیک) درازمدت است - تمرکزی که باعث می شود دانشمندان علوم اجتماعی به دانش و قدرت به عنوان اجزای پویا و مرتبط ساختار دنیای اجتماعیمان فکر کنند.

## ۵ راه های پیشرو در تحقیقات تاب آوری اجتماعی

ما دو یافته اصلی از بررسی ادبیاتمان همانطور که در بالا ارائه شده است مطرح می کنیم: اول، تاب آوری اجتماعی به عنوان یک مفهوم در حال ساخت، بهتر درک می شود. در حقیقت، مسائلی مانند چگونه می توان به درستی تاب آوری اجتماعی را تعریف کرد، چگونه می توان آن را عملی کرد، اندازه گیری کرد و تجزیه و تحلیل کرد، و چگونه می توان آن را تقویت کرد (یا مانع شد) تا کنون حل نشده است. به همین ترتیب، در حال حاضر خیلی زود است که تصمیم نهایی در مورد اعتبار و سودمندی مفهوم برنامه های تحقیقاتی علوم

---

Kuhlicke . 1  
Olwig . ۲

اجتماعی گرفت. در عین حال - این یافته دوم ماست - سه اصل اساسی تاب آوری اجتماعی می تواند شناسایی شود که آن را یک مفهوم در حال ساخت می سازد. مفهوم تاب آوری در شرایط عمومی نشان داده شد که از تمرکز اولیه اش بر پایداری عملکرد سیستم، از طریق تاکید بر انطباق، تا تغییر اخیر آن در جهت تحقق دگرگونی جامعه در برابر تغییرات جهانی، گام به گام پیشرفت کرده است. در ارتباط ضعیف با این مراحل تبارشناسی، ایده تاب آوری اجتماعی از معنای اولی آن به وجود آمد، که به سادگی به توانایی کنشگران برای پاسخ دادن اشاره داشت و تا توانایی کنشگران برای یادگیری و سازگاری گسترش یافت؛ در حال حاضر این مفهوم همچنین شامل ظرفیت آنها برای شرکت در فرایندهای حکمرانی و تبدیل ساختارهای اجتماعی خود است. از دیدگاه ما، مفهوم تاب آوری اجتماعی در وضعیت کنونی آن، بسیاری از نگرانی های مطرح شده توسط برنند و جکس (۲۰۰۷) را با توجه به وضوح مفهومی از بین می برد.

به رغم تبار شناسی متصل ضعیف آنها، مفهوم تاب آوری اجتماعی با محوریت کنشگران بسط داده شده توسط دانشمندان علوم اجتماعی، به طور قابل ملاحظه ای از معنای اصلی مفهوم جدا می شود. دانشمندان علوم اجتماعی توجه بیشتری به کنشگران اجتماعی دارند نه سیستم ها و بر ظرفیت ها و شیوه ها به جای ویژگی ها تمرکز می کنند. این تغییر ضروری بوده است، چرا که مسائل مهمی مانند قدرت، سیاست و مشارکت را در دستور کار بحث های تاب آوری قرار داده است. به نظر ما، این بسیاری از نگرانی هایی که کانن و مولر-مون (۲۰۱۰) در رابطه با اثر بالقوه نفوذ پذیری از استفاده ی مفهوم تاب آوری در زمینه های اجتماعی و تمایل آن به تقویت وضعیت موجود بیان کردند را کاهش می دهد. در عین حال، ما آگاه هستیم که مسیر فعلی توسعه مفهوم تاب آوری اجتماعی خطر ابتلا به از دست دادن اهمیت بافت، بازخورد و همبستگی را به همراه دارد که مفهوم تاب آوری در برنامه ریزی مطالعات ریسک در وهله اول قرار می دهد (نلسون و همکاران ۲۰۰۷). بنابراین، چالش فعلی ما پیدا کردن راه هایی برای تعادل و آشتی بینش هایی از هر دو دیدگاه است. ما معتقدیم که این تعادل را می توان با یکی کردن سه جنبه به طور سیستماتیک را در تجزیه و تحلیل تاب آوری اجتماعی به دست آورد.

اول، دیدگاه تاب آوری، همانطور که نلسون و همکاران (۲۰۰۷، ۳۹۹)، تاکید دارند وابستگی و همبستگی حوزه های اجتماعی و زیست محیطی است که نمی تواند در انزوا از یکدیگر درک شود. همانطور که بررسی نشان داده است، خصوصیات متقابل این دو حوزه در مطالعات تاب آوری اجتماعی، به نفع تأکید تنها بر حوزه اجتماعی، مورد توجه قرار گرفته است. سیستم های زیست محیطی عمدتاً به شکل عوامل استرس در تعارض با واحدهای اجتماعی بررسی می شوند. به نظر ما، مفهوم "مخاطرات احتمالی" توسط مصطفی (۲۰۰۵) و مفهوم مرتبط "ریسکهای احتمالی" پیشنهاد شده توسط مولر مون و اورست (۲۰۱۳)، قادر به حل مسئله اتصال اجتماعی-زیست محیطی هستند و ریسک را کاهش می دهند و به این ترتیب، خطرات "صرفاً به

عنوان "حوادث طبیعی" به طور کامل در خارج از حوزه اجتماعی قرار می‌گیرد. مصطفی (۲۰۰۵) با الهام از ایده چشم انداز در جغرافیا، اشاره می‌کند که مفهوم "مخاطرات احتمالی" هر دو "ساختگی طبیعت در شرایط انسان" و "طبیعت در معنای واقع‌گرایانه" را تصدیق می‌کند (اسکوبار ۱۹۹۹، ۲). چشم انداز به عنوان "نتیجه مادی روابط پیچیده انسان و محیط زیست" درک می‌شود (فور ۱۵۰۱، ۲۰۱۰، ۷). این مفهوم بر ویژگی‌های ترکیبی روابط انسانی و محیطی تأکید می‌کند و می‌پذیرد که تجربه از خطرات "نه فقط عملکرد آسیب‌پذیری جغرافیای مادی بلکه همچنین اینکه چگونه این مناطق جغرافیایی مخاطره‌آمیز ساخته و بازتولید شده‌اند، در نظر گرفته می‌شوند" (مصطفی ۲۰۰۵، ۵۶۶). علاوه بر این، آن توجه را به ویژگی‌های چندگانه خطرات در شرایط زمانی، فضایی و اجتماعی نیز جلب می‌کند.

ثانیا، ما معتقدیم که یک تحلیل تاب‌آوری اجتماعی که "زمینه، بازخورد و همبستگی" را تصدیق می‌کند (نلسون و همکاران ۲۰۰۷) می‌تواند بر اساس یک درک ارتباطی از جامعه بوجود آید که توسط پیر بوردیو پیشنهاد شده است. نویسندگان مانند ابريست و همکاران. (۲۰۱۰الف) در حال حاضر مفاهیم بوردیوس "حوزه"، "گرایش" و "سرمایه" مطرح کردند و معتقدند که مخاطرات و تاب‌آوری اجتماعی کنشگران بسته به موقعیت‌هایشان در این حوزه (که توسط سرمایه آنها تعیین می‌شود) و شیوه‌های آنها (که توسط عادت آنها تعیین می‌شود) متفاوت است. سیگمن (۲۰۱۰) و کانن (۲۰۰۸) تأکید می‌کنند که ممکن است در فرآیندهای ایجاد تاب‌آوری - حتی در یک جامعه یا خانواده - برنده‌ها و "بازنده‌ها" وجود داشته باشند. با درک اندیشه‌های بوردیو، می‌توان زمینه‌های تاب‌آوری اجتماعی را تجزیه و تحلیل کرد، برندگان و بازندگان احتمالی در این حوزه‌ها را مشخص کرد و مهمتر از همه آنها را با یکدیگر مرتبط ساخت. چنین دیدگاهی ما را قادر می‌سازد که سوال دیگری از منافع آینده را مطرح کنیم. آن این است: تاب‌آوری به نفع چه کسی؟

سوم، مطالعات بسیاری در مورد تاب‌آوری اجتماعی بر سطح محلی تأکید کرده‌اند که به عنوان سطح بسیار مهم تجزیه و تحلیل شناخته شده بود. با این حال، همانطور که الویگ (۲۰۱۲) روشن کرده است، تاب‌آوری اجتماعی باید به عنوان یک محصول تعامل بین نیروهای جهانی و محلی باشد. به استثنای موارد استثنائی نادر (مثلا لیون ۲۰۱۱)، در حال حاضر بحثی منظم در مورد رابطه تاب‌آوری اجتماعی، مقیاس و مکان هنوز وجود ندارد. ما مفهوم "ورا مکانی"<sup>۱</sup> را همانطور که توسط گرینر و ساکداپولراک (۲۰۱۲)؛ همچنین نگاه کنید به گرینر و ساکداپولراک (۲۰۱۳) مطرح شده را برای تجزیه و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی در زمینه پویایی مقیاس در مقیاس، مناسب می‌دانیم. نویسندگان میان "مکان‌ها" اشاره به مکان‌هایی در محیط فیزیکی که ارتباطات چهره به چهره شکل می‌گیرد، و "محل‌ها"، اشاره به تنظیماتی برای تعامل اجتماعی

---

<sup>۱</sup> . translocality

که به خارج از مکانها گسترش می یابند و چیزی که با تعاملات از راه دور تبدیل به "ورا مکان" می شود تمایز قائل می شوند (گرینر و ساکداپولراک ۲۰۱۲). با مفهوم "ورا مکانی"، تاب آوری اجتماعی می تواند به عنوان نتیجه جاسازی های بسیار زیاد مکانی کنشگران اجتماعی تصور شود، که به طور فزاینده ای در شرایط فعلی جهانی شدن مداوم اهمیت می یابند.

## ۶ نتیجه گیری

این مقاله بر مفهوم تاب آوری اجتماعی متمرکز است. این مفهوم، دارای اصول کلیدی مفهوم تاب آوری کلی است که ریشه در تفکر سیستم های زیست محیطی دارد و تحت تسلط آن است و به طور خاص بر روی قابلیت های پایداری، سازگاری و تحول پذیری سیستم ها ریشه دارد. با این وجود، با اتخاذ دیدگاه کنشگرا، از گفتمان تاب آوری کلی جدا می شود. از طریق ایجاد این رویکرد به تاب آوری اجتماعی، تهدید ظهور دوباره کاربرد اجتماعی مفاهیم پیش از حد ساده جبرگرایی طبیعی خنثی شد و سیاست به بحث بازگرداننده شده است.

بر اساس بررسی ما در مورد ادبیات تحقیق، سه بعد مهم تاب آوری اجتماعی را شناسایی کرده ایم که با هم ظرفیت های کنشگران اجتماعی را برای مقابله با انواع سختیهای فوری (ظرفیت های مقابله ای) در نظر میگیرد، توانایی های آنها برای یادگیری از تجارب گذشته و تعدیل خود برای مقابله با چالش های جدید در آینده (ظرفیت های سازگاری) و ظرفیت های آنها برای ایجاد نهادهایی که منجر به تقویت رفاه فردی و پایدار بودن جامعه در بحران های کنونی و آینده (ظرفیت های تحول پذیری).

همانطور که این بررسی نشان می دهد، مفهوم تاب آوری اجتماعی، چندین ویژگی مشترک با رویکرد آسیب پذیری و معیشت اجتماعی دارد (برای یک مرور کلی بنگرید مازینا (۲۰۰۶) و میلر و همکاران (۲۰۱۰). اما تفاوت های مهمی نیز وجود دارد. ما معتقدیم که مفهوم تاب آوری اجتماعی، دیدگاه های جدیدی را در درک گروه های آسیب پذیر تحت استرس ایجاد می کند. در ابتدا، این مفهوم عدم اطمینان، تغییر و بحران را به طور عادی، به جای استثنایی به رسمیت می شناسد. این جهان در تغییرات دائمی در نظر گرفته می شود. در نتیجه، تاب آوری اجتماعی به عنوان یک فرآیند پویا، نه به عنوان یک حالت خاص و یا ویژگی یک نهاد اجتماعی در نظر گرفته می شود. در مرحله دوم، بررسی تاب آوری اجتماعی بر جا دادن کنشگران اجتماعی در زمان های خاص و محیط زیست خاص، محیط اجتماعی و سازمانی تاکید دارد. به این ترتیب، این یک مفهوم ارتباطی و نه مفهومی ضروری است. سوم، یادگیری اجتماعی، تصمیم گیری مشارکتی و فرآیندهای تحول جمعی به عنوان جنبه های اصلی تاب آوری اجتماعی به رسمیت شناخته می شود. تحولات اجتماعی

هرگز قطعی نیستند، بلکه برای بحث و گفتگو باز می‌باشند، به رغم این واقعیت که گفتمان هژمونیک و نوآوری تکنیکی می‌توانند نقش مهمی در تعریف مسیرهای بالقوه توسعه پیدا کنند. خلاصه، پس از آن، تاب-آوری اجتماعی نه تنها یک مفهوم پویا و رابطه ای است، بلکه یک مفهوم عمیقاً سیاسی است. به همین ترتیب، جستجو برای رویکردهای جدید برای ایجاد تاب‌آوری - خصوصاً با توجه به معیشت افراد فقیر و به حاشیه رانده شده - به نظر می‌رسد نه صرفاً یک مسئله تخصصی، بلکه یک مسئله سیاسی است.

منبع:

## **What is Social Resilience? Lessons Learned and Ways Forward**

**Markus Keck and Patrick Sakdapolrak**

ترجمه و گردآوری: فاطمه محمدی\_مددکار اجتماعی